

Analysis of the Characteristics of Islamist Identity Policies in Saudi Arabia

Hassan Majidi*

Associate Professor of Political Sciences, Imam Sadeg University, Tehran, Iran,

majidi118@gmail.com

Mahdi Taheri

Ph.D. Student in Political Sociology, Imam Sadeg University, Tehran, Iran,

taherimehdy1375@gmail.com

Abstract

Objective: Islamism in Saudi Arabia, which is based on the Wahhabi reading of Islam, forms the maximum spectrum in Saudi society. Despite the minimal spectra, like the Shiites and other Sunni sects, there are in Saudi Arabia, but due to the rule of the royal family and Wahhabism in the political and social spheres of society, in practice, such currents in society are not allowed to emerge and manifest their identity policies. Hence, the Islamist identity policies in Saudi Arabia are based on the reading of Wahhabi Islam and its currents, like official Wahhabism, Sahihs and jihadists. The main question of the article is what are the characteristics of Islamist identity policies in Saudi Arabia?

Method: The method of this research is documentary analysis and data collection is in the form of library and interview.

Results: Islamism in Wahhabi reading is one of the main foundations of Saudi Arabia's identity and the royal family derives its legitimacy from it. In this area, everything is exclusively in the hands of Wahhabism, and the phenomenon of religious pluralism and pluralism in Saudi Arabia has been prevented. The hallmarks of Islamist identity policies stem from currents such as official Wahhabism, Sahihs, and jihadists.

Conclusion: After examining the backgrounds, components, goals, challenges and obstacles of Islamist currents, the characteristics of Islamist identity policies were identified, which are: legitimizing the actions and decisions of the Saudi government, opposing Western culture and themes, takfir and jihad against polytheists, discriminatory measures against Shiites and depriving them of basic rights to life, strict laws against women and their anonymity, opposition and opposition to liberals and secularists, educational system and legal system based on the teachings of Wahhabism, opposition to democracy and denial people's political participation, the spread of Wahhabism, the emphasis on traditionalism and opposition to modernity.

Keywords: Identity policies, Islamism, Saudi Arabia, Wahhabism.

Article Type: Research

* Received on 13 November, 2021 Accepted on 12 April, 2022

Cite this article: Majidi & Taheri (2022) Analysis of the Characteristics of Islamist Identity Policies in Saudi Arabia, Spring 2022, Vol.11, NO.1, 1-20

DOI: 10.30479/psiw.2022.16629.3072

© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Hassan Majidi

E-mail: majidi118@gmail.com

تحلیل شاخص‌های سیاست‌های هویتی اسلام‌گرا در عربستان

حسن مجیدی

دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) majidi118@gmail.com

مهدی طاهری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) taherimehdy1375@gmail.com

چکیده

هدف: اسلام‌گرایی در عربستان که مبتنی بر قرائت وهابی از اسلام است، طیف حداکثری را در جامعه سعودی تشکیل می‌دهد. با وجود این که طیف‌های حداقلی؛ مانند شیعیان و سایر فرق سنی در عربستان وجود دارند، اما به خاطر حاکمیت خاندان پادشاهی و وهابیت در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه، عملاً چنین جریاناتی در جامعه اجازه ظهور و بروز سیاست‌های هویتی خویش را ندارند. از همین رو، سیاست‌های هویتی اسلام‌گرایی در عربستان بر اساس خوانش و قرائت اسلام وهابی و جریانات ذیل آن؛ مانند وهابیت رسمی، صحوی‌ها و جهادی‌ها می‌باشد؛ پرسش اصلی مقاله این است که شاخص‌های سیاست‌های هویتی اسلام‌گرا در عربستان سعودی کدامند؟

روش: روش این پژوهش، تحلیل اسنادی است و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مصاحبه می‌باشد. **یافته‌ها:** اسلام‌گرایی به قرائت وهابی، یکی از پایه‌های اصلی هویتی عربستان سعودی به‌شمار می‌رود و خاندان پادشاهی نیز مشروعیت خود را از آن می‌گیرد. در این عرصه به‌طور انحصاری همه چیز در دستان وهابیت قرار دارد و از پدیده تکثر و پلورالیسم مذهبی در عربستان سعودی جلوگیری شده است. شاخص‌های سیاست‌های هویتی اسلام‌گرایی، از دل جریاناتی همچون وهابیت رسمی، صحوی‌ها و جهادی‌ها بیرون می‌آید.

نتیجه‌گیری: پس از بررسی زمینه‌ها، مؤلفه‌ها، اهداف، چالش‌ها و موانع جریانات اسلام‌گرایی، شاخص‌های سیاست‌های هویتی اسلام‌گرا مشخص شدند که عبارتند از: مشروعیت دادن به اقدامات و تصمیمات حکومت سعودی، مخالفت و ضدیت با فرهنگ و مضامین غربی، تکفیر و جهاد با مشرکان، اقدامات تبعیض‌آمیز علیه شیعیان و محروم کردن آنها از حقوق اولیه زندگی، قوانین سختگیرانه علیه زنان و بی‌هویت شدن آنها، مخالفت و ضدیت با لیبرال‌ها و سکولارها، نظام آموزشی و حقوقی مبتنی بر آموزه‌های وهابیت، مخالفت با دموکراسی و نفی مشارکت سیاسی مردم، گسترش و تبلیغ وهابیت، تأکید بر سنت‌گرایی و مخالفت با مدرنیته.

واژگان کلیدی: سیاست‌های هویتی، اسلام‌گرایی، عربستان سعودی، وهابیت

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۲۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱/۲۳

استناد: مجیدی و طاهری (۱۴۰۱)، تحلیل شاخص‌های سیاست‌های هویتی اسلام‌گرا در عربستان، بهار ۱۴۰۱، دوره ۱۱،

شماره ۱، پیاپی ۴۱-۴۳-۶۹



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

۱. مقدمه

سیاست‌های هویتی زمانی پدید می‌آیند که موضوعات هویتی تمایل و گرایش به حضور در عرصه سیاسی داشته باشند که بکارگیری مسائل و موضوعات هویتی در عرصه سیاسی به دو صورت انجام می‌پذیرد: یا حاکمان برای عادی‌سازی و تصویرسازی بنیان‌های هویتی خویش در جامعه، سیاست‌های هویتی مدّ نظر خود را پدید می‌آورند یا اینکه جریان‌ات غیرحکومتی با توجه به انگاره‌های هویتی خویش، سیاست‌های هویتی دیگری را برای مقابله با حاکمیت به-وجود می‌آورند. از همین‌رو، حکومت سیاسی در عربستان سعودی به گونه‌ای است که انگاره‌های هویتی در ایجاد و تداوم آن در دهه‌های اخیر نقش اصلی را ایفا نمودند. در واقع ساختار و قوام هویتی حکومت سعودی متشکل از ارکان هویتی؛ همچون وهابیت، قبیله‌محوری، درآمد نفتی و عربیت می‌باشد. البته مهم‌ترین رکن هویتی عربستان، وهابیت می‌باشد؛ چرا که خاندان پادشاهی همواره از این آئین در جهت اقدامات و برنامه‌های خویش استفاده کرده است و به عبارتی پایه‌های مشروعیت حاکمیت عربستان بر وهابیت استوار است. از این‌رو، وهابیت به گونه‌ای از حکومت سعودی حمایت نموده که پادشاه آن را نماینده خدا، مدافع و حامی اسلام معرفی و اطاعت از آن را واجب دانسته است. پس در چنین شرایطی حاکمان سعودی اوضاع را برای علمای وهابی به گونه‌ای فراهم کردند تا آن‌طور که می‌خواهند به اجرای قوانین و احکام اسلامی در جامعه بپردازند؛ البته هویتی همچون قبیله‌محور بودن جامعه سعودی، مزید بر علت شد تا علمای وهابی راحت‌تر بتوانند احکام اسلامی مدّ نظر خویش را در جامعه ترویج دهند. به همین خاطر، جامعه سعودی نیز به دلیل داشتن خصوصیات از قبیل: قبیله‌گرایی و حاکمیت فراگیر وهابیت بر آن، از دیرباز جزو جوامع بسته و محافظه‌کار سنتی به‌شمار می‌رود. در نتیجه با چنین شرایطی به راحتی می‌توان فهمید که هویت اسلام‌گرایی با قرائت وهابی در جامعه عربستان از ریشه و بنیان قوی برخوردار است.

در حقیقت سیاست‌های هویتی زمانی پدید می‌آیند که مسائل و موضوعات هویتی امکان سیاسی شدن را داشته باشند و به همین دلیل با توجه به وجود هویت اسلام‌گرایی در عربستان، سؤالی که ذهن نگارندگان را به خود مشغول داشته، مبنی بر این است که سیاست‌های هویتی اسلام‌گرا مبتنی بر چه شاخص‌هایی است و این شاخص‌ها کدامند؟ بر همین اساس، مسأله اصلی این مقاله، شناخت شاخص‌های سیاست‌های هویتی اسلام‌گرا در عربستان سعودی می‌باشد؛ زیرا جریان اسلام‌گرایی دارای ویژگی‌های هویتی هست که بر اساس آن وارد فرایند سیاسی و اجتماعی جامعه عربستان می‌شود تا سیاست‌های هویتی مدّ نظر خویش را به اجرا گذارد. در واقع ادعای عربستان سعودی مبنی بر رهبری جهان اسلام و محوریت کشورهای عربی و اسلامی در آینده، ضرورت کالبدشکافی جامعه و سیاست در عربستان را دوچندان ساخته است. از همین‌رو آورده این پژوهش می‌تواند باعث تقویت مطالعات نظری در حوزه اسلام سیاسی،

تقویت پژوهش‌ها و مطالعات تئوریک مربوط به عربستان گردد. از آنجا که عربستان سعودی در جهان اسلام صاحب جایگاه مهمی است، تبیین سیاست‌های هویتی اسلام‌گرا در جامعه این کشور امر مهمی تلقی می‌شود؛ چرا که با شناخت سیاست‌های هویتی جریان‌ها این کشور، می‌توان فهمید که عربستان چگونه در حوزه اسلام سیاسی به کنشگری در میان کشورهای مسلمان می‌پردازد. درحقیقت یکی از لوازم کنشگری مسئولان جمهوری اسلامی در جهان اسلام از رهگذر شناخت سیاست‌های هویتی اسلام‌گرا در عربستان سعودی عبور می‌کند.

نگارندگان در این مقاله با استفاد از روش تحلیل اسنادی، جریان‌ها ذیل اسلام‌گرایی را از منظر سیاست‌های هویتی در چهار محور زمینه‌ها، مؤلفه‌ها، اهداف، چالش‌ها و موانع، بررسی کرده‌اند تا در پایان بتوانند به شاخص‌های سیاست‌های هویتی اسلام‌گرا دست یابند. گردآوری داده‌ها و اطلاعات این مقاله به دو صورت کتابخانه‌ای و مصاحبه با متخصصان حوزه عربستان انجام پذیرفته است.

۲. پیشینه تحقیق

نگارندگان، پژوهش‌هایی را که در مورد جامعه عربستان، جریان‌ها و مسائل آن بوده را مورد بررسی قرار دادند که اطلاعات و یافته‌های این پژوهش‌ها در جدول ذیل آمده است:

جدول ۱: سیاست‌های هویت و هابیت رسمی

موضوع پژوهش و نویسنده	یافته‌های پژوهش
مقاله «هویت‌سازی عربستان سعودی» نوشته کاوه امیرخانی و هدایت بهرام‌وند (۱۳۹۷)	با وجود این که فرقه وهابیت، مهم‌ترین عامل تاثیرگذار داخلی در تشکیل و تداوم حکومت سعودی است، اما رفتار سیاست خارجی این کشور متأثر از تهیدات است و دولت‌مردان سعودی بدون در نظر گرفتن انگاره‌های هویتی، سیاست واقع‌گرا و عملگرا در پیش گرفته‌اند.
مقاله «بازشناسی سیاست، جامعه و دولت در عربستان سعودی: ۲۰۱۱-۲۰۱۵ میلادی» نوشته علی اشرف نظری و لتمان قنبری (۱۳۹۴)	از چشم‌انداز جامعه‌شناسی سیاسی به ماهیت رابطه دولت و جامعه در عربستان سعودی می‌پردازد و با کاربست نظریه‌های ترکیبی، فهم نسبتاً دقیقی از واقعیات جامعه کنونی عربستان ارائه می‌کند.
مقاله «وهابیت و استمرار حاکمیت آل سعود» نوشته سیدمهدی طاهری و شجاع احمدوند (۱۳۹۴)	مشروعیت‌بخشی رفتارهای آل سعود توسط وهابیت و نقش فتوا در استمرار حاکمیت آل سعود را با رویکرد توصیفی تاریخی به آن پرداخته است.
مقاله «شکاف سنت و مدرنیسم و ثبات سیاسی در عربستان سعودی» نوشته علی اکبر اسدی (۱۳۹۹)	سیاست‌های اصلاحی بن سلمان و تحولات جدید معطوف به شکاف سنت و مدرنیسم، موجب ایجاد چالش‌هایی مانند کاهش مشروعیت حکومت در اقصای سنتی و افزایش گرایش مردم به جریان‌های افراط‌گرا می‌شود، اما در نهایت این تحولات به تغییرات اساسی در نظام سیاسی سعودی منجر نخواهد شد.
مقاله «تکرارکردهای وهابیسیم و تمیق شکاف بن سلمان با وهابیین عربستان سعودی» نوشته ابراهیم برزگر و همکارانش (۱۳۹۹)	حضور محمد بن سلمان در مقام ولیعهدی و اصلاحات وسیع وی، نظام سعودی را با تحولات عمیقی مواجه نموده و جایگاه علمای اعظم وهابی را با تهدیدات عمده‌ای روبرو ساخته است. از همین رو، براساس تئوری جستاری اسپریگنز، تغییرات جایگاه وهابیسیم سنتی در عربستان از زمان روی کار آمدن بن سلمان را مورد بررسی قرار می‌دهد.

درحقیقت همان‌طور که مشخص است، پژوهش‌های صورت گرفته عمدتاً درباره سیاست و حکومت در عربستان سعودی و روابط خارجی این کشور بوده است، اما پژوهش درباره

سیاست‌های هویتی در این کشور اندک و نادر است و به‌عبارتی تاکنون تحقیقی در ارتباط با سیاست‌های هویتی اسلام‌گرا در عربستان انجام نشده است و از همین حیث، این پژوهش از نوآوری برخوردار می‌باشد.

۳. مبانی مفهومی و نظری

در یکی از فرهنگ‌های لغت فارسی، واژه هویت به معنای صفات جوهری یک شخص یا حقیقت یک شیء تعریف شده است (عمید، ۱۳۸۹: ۱۰۷۴). به‌عبارتی، واژه هویت در زبان فارسی به معنای کیستی و چیستی می‌باشد. مفهوم هویت به‌گونه‌ای است که از درون آن معناهایی همچون تشابه و تمایز صادر می‌شود؛ بدین معنا که میان اشیا و افراد، چنین نسبت‌هایی را به وجود می‌آورد. از همین‌رو، تنها عاملی که به خاطر ویژگی‌ها، خصوصیات و خصائل، نسبت به افراد و گروه‌های اجتماعی ایجاد تشابه و تمایز می‌کند، هویت می‌باشد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۲۹).

به اعتقاد بسیاری، پدیده‌ای به نام هویت در طول زمان دچار تغییر و تحول نشده است، بلکه نگرش‌ها، رویکردها و نظریه‌های مختلف نسبت به هویت چنین تغییراتی را در عرصه سیاسی به‌وجود آورده است (تاجیک، ۱۳۸۴: ۹). البته هر نظریه هویتی وارد عرصه سیاسی نمی‌شود؛ چون صرفاً بعضی از آن‌ها با توجه به مبانی فکری و نظری که دارند، امکان سیاسی شدن را پیدا می‌کنند. در واقع این‌گونه از این نظریه‌ها از منظرهای هویتی که در نظر دارند، به‌گونه‌ای وارد عرصه سیاسی می‌شوند.

در حقیقت سیاست هویت به‌منظور توضیح هویت‌های سیاسی نیست، بلکه بدین معناست که هویت در فرایندی سیاسی قرار می‌گیرد و میل و رغبت به سیاسی شدن پیدا می‌کند (کاظمی و رضادوست، ۱۳۹۸: ۱۴۲). به‌عبارتی در فرایند سیاست هویتی، با کنش‌های سیاسی افراد، گروه‌ها و جریانات مواجه هستیم که برآمده از هویت‌هایی است که این کنشگران بدان تعلق دارند (آل سیدغفور و زهیری، ۱۳۹۵).

نظریه‌هایی مانند پدیدارشناسی، پسامدرن، پساساختارگرایی، مارکسیسم، گفتمان و فمینیسم به‌گونه‌ای از منظرهای هویتی وارد عرصه سیاسی شدند و به‌عبارتی سیاست‌های هویتی مد نظر خویش را پدید آوردند. اشتراک این نظریه‌ها گویای این مطلب است که یک موضوع هویتی زمانی می‌تواند منجر به ایجاد سیاست هویتی گردد که امکان سیاسی شدن را برای خودش در نظر گرفته باشد. در حقیقت هریک از این نظریه‌ها به نحوی می‌توانند در بکارگیری سیاست هویتی در جامعه دخیل باشند و مبانی خاص خود را برای اعمال آن بکار گیرند، اما آنچه که این نظریه‌ها بدان اذعان دارند، هنگامی سیاست‌های هویتی پدید می‌آیند که موضوعات و مسائل هویتی امکان سیاسی شدن را داشته باشند. همچنین از آنجا که ظهور و بروز سیاست‌های هویتی در جامعه به دو صورت انجام می‌پذیرد، یا حاکمان سیاسی به‌دنبال تصویرسازی و

عقلانی کردن هویت مد نظر خویش در جامعه هستند یا گروه‌ها و جریان‌ها، جامعه، به نوع و خوانش هویتی حاکمان معترض و به دنبال ایجاد بنیان‌های هویتی خویش در مقابل حاکمیت هستند.

مفهوم اسلام‌گرا، یک پدیده نو ظهوری است که در اثر رویدادهای سیاسی و اجتماعی که در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در یک قرن اخیر روی داده، به وجود آمده است. جریان‌های اسلامی در این کشورها به دنبال بازتعریف هویت اسلامی و برخورد با فرهنگ و تمدن غرب گام برداشتند، زیرا مضامین غربی در راستای تسلط بر جوامع مسلمان قرار گرفته بود و مسلمانان از چنین شرایطی احساس تحقیرشدگی می‌کردند (شرابی، ۱۳۶۹: ۵۱). پس اسلام‌گرایی هنگامی پدید آمد که در مقابل تجدد، ارزش‌ها، نمادها، مضامین و فرهنگ غربی به مبارزه می‌پرداخت و در پی ایجاد و استقرار حکومت دینی و ارزش‌های اسلامی بود و به همین خاطر در کنار تعبیر اسلام‌گرایی، مفاهیم دیگری همچون اسلام سیاسی، بنیادگرایی اسلامی و رادیکالیسم اسلامی به طور موازی بکارگرفته شده است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷). درحقیقت اسلام‌گرایان می‌خواهند ارزش و فرهنگ اسلامی در حکومت اسلامی و جامعه مسلمان جاری و ساری باشد؛ علی‌رغم این که برداشت‌ها و قرائت‌های مختلفی از اسلام در میان جریان‌های اسلامی وجود دارد، اما به خاطر تبعیت از اسلام، همه در ذیل اسلام‌گرایی قرار می‌گیرند. از همین رو، در این مقاله نگارندگان ترجیح دارند برای تبیین سیاست‌های هویتی اسلام‌گرا در عربستان از روشی استفاده کنند که ابتدا جریان‌ها ذیل اسلام‌گرا تقسیم و ذیل هر جریان با توجه به مبانی هویتی که دارند، چطور امکان سیاسی شدن می‌یابند که به انجام سیاست‌های هویتی می‌پردازند. نگارندگان برای انجام چنین هدفی چهار مرحله را برای هر جریان در نظر گرفته‌اند که به ترتیب زمینه‌های سیاست‌های هویتی، مؤلفه‌های سیاست‌های هویتی، اهداف سیاست‌های هویتی، چالش‌ها و موانع سیاست‌های هویتی هر جریان را مورد بررسی قرار داده‌اند که در نهایت در نتیجه‌گیری بتوانند شاخص‌های سیاست‌های هویتی اسلام‌گرا را برشمرند.

همچنین از دیگر مبانی مفهومی و نظری که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، موضوع سنت و سنت‌گرایی است. درواقع مفهوم سنت زمانی معنا پیدا می‌کند که مفهوم تجدد در برابر آن پدیدار شود، زیرا این مفهوم به معنای نوگرایی و حرکت در جهت تفکرات و اندیشه‌های فرهنگ و تمدن غربی است که در چنین شرایطی به عنوان غیری در مقابل سنت قرار می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۷۹). سنت به معنای مجموعه‌ای از افکار، احساسات، افعال موروثی و جا افتاده‌ای است که از راه تأسی، به اسوه گذشتگان از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد که به صورت قانع‌کننده و سؤال‌ناپذیر در نزد افراد نمود پیدا می‌کند و سنت‌گرایی نیز اصول اشخاصی است که از سنت، تبعیت و دفاع می‌کنند و آن را برتر از افکار، احساسات و تجربه شخصی می‌دانند (ملکیان، ۱۳۸۱: ۳۵۷). مفهوم سنت و سنت‌گرایی در جوامع، بسته و بخصوص

قبیله‌محور همچون عربستان سعودی نمود بیشتری دارد.

۴. اسلام‌گرایی در عربستان سعودی

جریان اسلام‌گرا در عربستان سعودی عمدتاً مبتنی بر قرائت وهابی از اسلام می‌باشد. از آنجا که پیمانی میان خاندان آل شیخ و آل سعود در سال ۱۷۴۴ شکل گرفت، حاکمیت دینی به محمد بن عبدالوهاب و حاکمیت سیاسی به محمد بن سعود رسید. در واقع به‌گونه‌ای این پیمان، مهم و حیاتی بوده که اثرات آن نیز تا به امروز ادامه پیدا کرده است. با وجود این که در تاریخ سه دوره حکومت سعودی، این دو خاندان شرایط متفاوتی را تجربه کرده‌اند، اما همواره در کنار یکدیگر قرار داشته‌اند و هر خاندان وظایف خود را به‌خوبی انجام داده است.

در همین راستا، پادشاهان سعودی برای اینکه بتوانند در قدرت بمانند، نیار به ایدئولوژی داشتند که ثبات حاکمیتی آن‌ها را حفظ و مستحکم کند. در واقع مطلوب‌ترین گزینه در جهت اهداف پادشاهان سعودی، فرقه وهابیت است. چنین امری بهترین انتخاب ممکن بوده است، زیرا عقاید وهابیت به شکلی است که در حوزه سیاسی دخالتی ندارد و همه چیز را در این حوزه به حاکم سیاسی می‌سپارد و فقط می‌خواهد حوزه‌های اجتماعی، مذهبی و فرهنگی جامعه را در دست داشته باشد که چنین امری در عربستان نمود عملی پیدا کرده است. به‌همین خاطر، اسلام وهابی در جامعه عربستان حاکمیت دارد و از آنجا که قبیله‌محوری از دیگر ویژگی‌های جامعه عربستان به‌شمار می‌رود، توانسته به وهابیت کمک شایانی کند؛ زیرا سنت‌گرایی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که در قبایل وجود دارد و سبب تقویت اعتقادات وهابیت نیز گردیده است. از همین رو، اسلام وهابی طیف حداکثری جامعه را به خود اختصاص داده است (طاهری و احمدوند، ۱۳۹۴).

البته از آنجا که عربستان مهد اسلام است، قاعدتاً جریانات دینی مانند شیعیان و سایر فرق سنی در گوشه و کنار این کشور از ابتدا تاکنون حضور داشته‌اند و همواره در سه دوره حکومت سعودی‌ها مورد کم‌لطفی و بی‌حرمتی نیز قرار گرفته‌اند و در حال حاضر نیز چنین شرایطی را دارند؛ به‌خصوص شیعیان که شرایط سختی به آن‌ها تحمیل شده است. از همین رو، شیعیان در طیف حداقلی اسلام‌گرایی جامعه عربستان قرار می‌گیرند که البته به همین دلیل نمی‌توانند به انجام سیاست‌های هویتی خویش در جامعه پردازند.

در حقیقت در این پژوهش، در پی شناخت شاخص‌های سیاست‌های هویتی اسلام‌گرایی در عربستان هستیم و به همین علت به تفکیک، زمینه‌ها و مؤلفه‌ها، اهداف، چالش‌ها و موانع سیاست‌های هویتی جریانات ذیل اسلام‌گرایی را مورد بررسی قرار خواهیم داد. از همین رو، جریانات وهابیت رسمی، صحوی‌ها و جهادی‌ها ذیل اسلام‌گرایی قرار می‌گیرند.

۴-۱. سیاست‌های هویتی جریان وهابیت رسمی

الف) زمینه‌های سیاست‌های هویتی

در اثر پیمان تاریخی سیاسی - مذهبی میان محمد بن سعود و محمد بن عبدالوهاب، دیری نپایید که اتحاد بین آل سعود و آل شیخ^۱ از همان ابتدا با ازدواج‌های میان هر دو خاندان محکم گردید و به همین خاطر هر خاندان، منافعی را در اثر همین امر کسب می‌کرد (بادیب، ۱۹۹۴: ۹۷). علمای وهابی که خود را اهل توحید می‌نامیدند، در اثر این اتحاد توانستند آموزه‌های وهابیت را در شبه جزیره عربستان ترویج و گسترش دهند (۲۰۰۵، لاکروا^۲) و خاندان سعودی هم نیز از این فرصت استفاده کرده و حکومت خود را توسعه و بسط داد.

درحقیقت، علمای وهابی به خاطر ائتلافی که با آل سعود دارند، از اختیارات گسترده‌ای در عربستان برخوردار هستند. این اختیارات؛ شامل سازمان‌ها و نهادهای مذهبی مانند هیئت کبار العلماء است. این نهاد، علاوه بر این که در جایگاه خدمت‌رسانی و توجیه‌گری نسبت به اقدامات خاندان پادشاهی قرار می‌گیرد، وظیفه‌ای دیگری دارد که باید نسبت به امور مذهبی و دینی و صدور فتوا، نظارت و سازماندهی لازم را انجام دهد (۷-۶: ۲۰۱۰، دلانگ بس^۳) و هیئت امر به معروف و نهی از منکر که برای اجرای احکام اسلامی در سطح جامعه، وظایف خاصی را بر عهده دارد (رفعیان، ۱۴۰۰) نظام آموزشی مانند مدارس و دانشگاه‌ها، نظام حقوقی مانند دادگاه و محاکم شرع که در هر کدام از این سازمان‌ها و نهادها، علمای وهابی حضور فعال و اختیارات گسترده‌ای دارند. به همین خاطر، کنترل حوزه اجتماعی و فرهنگی جامعه عربستان توسط وهابیت انجام می‌پذیرد؛ زیرا هرآنچه که نهادهای مذهبی وجود دارد، توسط علمای وهابی اداره می‌شود (احمدیان، ۱۴۰۰). در جامعه‌ای که چنین سیطره‌ای از سوی وهابیت بر آن مستولی گردیده، طبیعی است که سیاست‌های هویتی وهابیت رسمی در آن رشد کند و جزء جدایی‌ناپذیر هویت سعودی‌ها قلمداد شود. از این رو، هر اندیشه دیگری بجز وهابیت، به راحتی نمی‌تواند در جامعه سعودی نفوذ پیدا کند؛ زیرا دیوار بلند وهابیت مانند مانعی مستحکم از ورود هر اندیشه، تفکر و یا ایدئولوژی غیرخودی جلوگیری می‌کند.

ب) مؤلفه‌های سیاست‌های هویتی

مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاست‌های هویتی جریان وهابیت رسمی عبارت است از: مشروعیت سیاسی و انحصار اجتماعی. در ادامه، در ذیل این دو مقوله، مؤلفه‌های سیاست‌های هویتی این جریان را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. نوادگان و خاندان محمد بن عبدالوهاب معروف به آل شیخ هستند.

2. Lacroix

3. DeLong-Bas

مشروعیت سیاسی

سیاست‌های هویتی این جریان در حوزه سیاسی، مطابق وهابیت می‌باشد. بر همین اساس، فرقه وهابیت به دنبال ایجاد مدینه فاضله‌ای است که از شرک پالوده شود و احکام اسلامی در آن اجرا گردد. از همین رو، وهابیت رسمی، خواهان حاکم مسلمانی است تا چنین شرایطی را در جامعه برقرار کند (عظیمی، ۱۴۰۰). به همین خاطر، وهابیت رسمی در حوزه سیاسی دارای ویژگی‌هایی است که در ابتدا فعالانه در ایجاد حکومت اسلامی گام برداشته و در ادامه با رویکردی رکودی و محافظه‌کارانه تبدیل به جریان منفعلی شده است که سیاست‌های حاکم را توجیه و قیام علیه آن را حرام می‌داند (آجرلو، ۱۴۰۰). وهابیت رسمی برای اطاعت مطلق از حاکمان سعودی، به آیات قرآن و دیدگاه‌های ابن تیمیّه و دیگر اشخاص سلف استناد می‌کند. آن‌ها با بیان آیه ۵۹ سوره نساء « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ » اعتقاد دارند که در اینجا اولی‌الامر، اطلاق و عمومیت دارد و تخصیص نمی‌پذیرد و در نتیجه چنین فهم می‌شود که باید از حاکم (چه عادل و چه ظالم) اطاعت کرد (عبدالملکی، ۱۴۰۰). از همین رو، علمای وهابی تحت هر شرایطی اقدامات حاکمان سعودی را با فتوای مذهب خویش توجیه می‌کنند؛ مانند فتوای عبدالعزیز بن باز در توجیه حضور هزاران سرباز آمریکایی در عربستان و برقراری رابطه سعودی‌ها با اسرائیل (مالکی، ۱۳۸۶: ۱۶۶).

در حقیقت تا زمانی که خاندان سعودی بر مسند قدرت سیاسی در عربستان تکیه زده باشند، وهابیت رسمی از مزایا و منافع آن بهره‌مند خواهد شد؛ زیرا بقای وهابیت منوط به استمرار و استحکام حکومت خاندان پادشاهی است. به همین خاطر، وهابیت رسمی تلاش می‌کند رویکرد تسلیم‌گرایانه نسبت به اوامر و دستورات حاکمان سعودی داشته باشد. همچنین از آنجا که وهابیت رسمی در حوزه سیاسی همه‌چیز را به عهده ولات امر و یا حاکمان گذاشته است، به چنین عرصه‌ای ورود نخواهد کرد، مگر این که خاندان سعودی برای رفع مشکلات سیاسی از علمای وهابی تقاضای صدور فتوا کند؛ مانند فتوای بن باز در رابطه با مشروع بودن حضور نیروهای آمریکایی در سال ۱۹۹۱ در عربستان (عبدالملکی، ۱۴۰۰). از این رو، در تمامی موارد در این عرصه، وهابیت رسمی با فتوای سیاسی خود توانسته نقش مصلحت‌سنج و سازشگر در رابطه با حکومت سعودی را به خوبی ایفا کند؛ مانند مجوز ورود چتربازان فرانسوی به مسجدالحرام برای مبارزه با قیام جهیمان العتیبی (ابوریش، بی‌تا: ۱۱۸) و حرام اعلام نمودن تظاهرات در عربستان در بحبوحه بهار عربی در سال ۲۰۱۱ (۸-۷: ۲۰۱۱، گرگوری گوس^۱). نکته دیگری وجود دارد و آن نیز عدم اعتقاد علمای وهابی به مشارکت سیاسی مردم در جامعه سعودی است و به عبارتی؛ مردم فقط تابعانی هستند که باید از حاکمان سعودی اطاعت کنند و حق هیچ‌گونه فعالیت سیاسی را ندارند و به همین دلیل، پدید آمدن احزاب سیاسی در عربستان

1. Gregory Gause

ممنوع است.

انحصار و تمامیت خواهی اجتماعی

جامعه عربستان به خاطر دو مؤلفه هویتی؛ همچون قبیله محوری و وهابیت، دارای بافت سنتی و محافظه کار دینی است و با همین نام در جهان مشهور شده است. پس در چنین شرایطی، سنتی بودن جامعه سعودی توانسته به تقویت انحصار و تمامیت خواهی اجتماعی وهابیت کمک شایانی کند. از این رو وهابیت رسمی، قوانینی که مبتنی بر آموزه های وهابیت می باشد را به- راحتی در جامعه توسعه و گسترش داده است.

در جامعه عربستان، شرایط برای همه سعودی ها یکسان نیست؛ زیرا زنان در این جامعه شرایط منحصر به فردی دارند. درحقیقت زنان سعودی اصلاً هویت مستقل نداشته اند و هویت آن ها همیشه ذیل قیمومیت مردان تعریف شده است و برای انجام هر کاری می بایست اجازه مردان را با خود داشته باشند. می توان گفت؛ نگاه تحقیرآمیزی نسبت به زنان در جامعه عربستان وجود دارد؛ چرا که تبعیض آشکاری در حق آن ها صورت گرفته است. پلیس مذهبی یا همان سازمان امر به معروف و نهی از منکر، شرایط سختی را برای حضور زنان در اجتماع پدید آورده است. در واقع، این سختگیری ها به حدی است که تفکیک جنسیتی در همه جای جامعه اجرا می شود. از همین رو، در رستوران ها و کافه ها مکان هایی مشخص شده تا مجردها و خانواده های متأهل به طور جداگانه در کنار یکدیگر قرار بگیرند (النقیدان، ۲۰۱۲: ۳۸-۳۵). همچنین مسأله عدم حق رانندگی زنان، از دیگر شرایط محنت آمیزی است که زنان عربستانی دچار آن هستند و در این رابطه عبدالعزیز بن باز گفته است: «رانندگی زنان موجب مفاسد بسیاری می شود که شرع باید جلوی این مفاسد را بگیرد. به همین دلیل رانندگی زنان جایز نیست.» (بن باز، بی تا: ۱۹۲). به راستی سختگیری های وهابیت رسمی در کنار بافت سنتی و قبیله ای جامعه، باعث شده است تا فرصتی برای ظهور و بروز زنان در جامعه عربستان وجود نداشته باشد. زنان حتی برای اشتغال، مسافرت و یا سرمایه گذاری باید مجوز رسمی مردان خود را داشته باشند (۱۷-۲۶: ۲۰۱۴، راخان^۱).

همچنین از دیگر ویژگی های جامعه عربستان که منجر به انحصار و تمامیت خواهی اجتماعی وهابیت در آن شده است، مسأله تبعیض علیه اقلیت های دینی مانند شیعیان می باشد. در همین راستا، آموزه های وهابیت طوری تعریف و تبیین شده اند که فقط عقاید خود را پذیرا هستند و نه تنها سایر مناسک و اعمال مذهبی، دیگر جریانات مذهبی را نمی پذیرند که شرک آمیز نیز تلقی می کنند. درحقیقت، وهابیت رسمی با چنین کارکردی به دنبال اثبات حقانیت و استمرار حاکمیت خود در حوزه اجتماعی می باشد. به همین خاطر سیاستی را که در این حوزه اتخاذ کرده، به-

1.Ragkhan

عنوان غیریت‌سازی دینی نامیده می‌شود؛ زیرا با دیگرسازی که در این زمینه انجام می‌دهد، در پی حذف و نابودی سایر هویت‌های مذهبی در جامعه سعودی می‌باشد. یکی دیگر از مواردی که سبب تقویت انحصار و تمامیت‌خواهی اجتماعی وهابیت در جامعه عربستان شده است، بحث مخالفت علمای وهابی با فرهنگ و تمدن غربی می‌باشد. درحقیقت، غربی شدن دقیقاً در مقابل آموزه‌های وهابیت قرار دارد و از مهم‌ترین چالش‌هایی به‌شمار می‌رود که وهابیت با آن مواجه است. علمای وهابی هرگونه برنامه‌ای که بر اساس توسعه فرهنگ غربی در جامعه نمایان شود را به‌شدت محکوم می‌کنند؛ چراکه تماماً هرآنچه را ذیل چنین امری قرار بگیرد، مصداق بدعت در دین می‌دانند (الحفیان، ۱۴۴۰: ۷۹). در همین راستا، مفتی اعظم وهابی، هر چیزی را که منجر به الگوبرداری از توسعه غربی گردد را حرام دانسته است؛ زیرا چنین الگوبرداری پیامدهای مهمی همچون اختلاط مردان و زنان نامحرم را به‌همراه دارد (البرصان، الحمد و الرشدان، ۱۴۴۱: ۵۶-۵۵).

ج) اهداف سیاست‌های هویتی

وهابیت رسمی هرچند خود یک فرقه مذهبی به‌شمار می‌رود، اما با گذشت زمان و اندک اندک استقلال خود را نسبت به آل سعود از دست داده است و به عبارتی، وابسته به خاندان سلطنتی می‌باشد. درحقیقت وهابیت رسمی به آلت دست خاندان پادشاهی تبدیل شده و به‌مثابه ابزاری در خدمت سیاست سعودی نیز قرار گرفته است. با این وجود فقط می‌توان گفت، وهابیت رسمی دارای دو هدف می‌باشد:

۱. مشروعیت دادن به خاندان پادشاهی

۲. حفظ بقا و تبلیغ و گسترش آئین وهابیت

درواقع وهابیت رسمی برای حفظ بقای خود وابسته به آل سعود می‌باشد؛ چراکه بدون آن، دیگر وهابیتی وجود نخواهد داشت و به همین خاطر، وهابیت رسمی به اقدامات خاندان پادشاهی جنبه مشروعیت می‌دهد و در عوض، خاندان سلطنتی هم به گسترش و تبلیغ وهابیت در دیگر کشورهای اسلامی می‌پردازد.

د) چالش‌ها و موانع سیاست‌های هویتی

درواقع هر شخص یا گروهی که با مواضع و دیدگاه‌های وهابیت رسمی مخالف باشد و به انتقاد و اعتراض پردازد، از مهم‌ترین چالش‌های وهابیت رسمی به‌شمار می‌رود؛ چرا که این-گونه اقدامات باعث به‌وجود آمدن موانعی در راه وهابیت رسمی می‌باشد. تغییرات نسلی و افزایش جمعیت جوانان، یکی از چالش‌ها و موانعی به‌شمار می‌رود که در سال‌های اخیر با رشد اینترنت و فضای مجازی، فرصت ایده‌آلی در اختیار آنان قرار گرفته است که با بیان اعتقادات و مواضع خود، وهابیت را تحت فشار قرار داده‌اند.

یکی دیگر از چالش‌ها و موانع، سایر جریان‌های غیروهابی مانند شیعیان و لیبرال‌ها هستند؛ زیرا سیاست‌های هویتی وهابیت رسمی همواره در امتداد نفی و حذف دیگر جریان‌های مذهبی و یا غیرمذهبی جامعه عربستان حرکت نموده است. خاندان سعودی هم در طول تاریخ، چنین سیاستی را برای حمایت از وهابیت رسمی تقویت و پشتیبانی کرده است. همچنین با توجه به عقایدی که در وهابیت وجود دارد، جریان‌های غیرخودی کافر و مرتد قلمداد می‌شوند.

روی کار آمدن بن‌سلمان در عرصه قدرت عربستان، یکی دیگر از چالش‌هایی است که وهابیت رسمی با آن مواجه است؛ زیرا بن‌سلمان به دنبال حذف وهابیت و آموزه‌های آن در حوزه اجتماعی است و در این راستا اختیارات علمای وهابی را نیز کاهش داده است.

جدول ۲: سیاست‌های هویت وهابیت رسمی (منبع: یافته‌های مقاله)

زمینه‌ها	مراجع و سازمان‌های مذهبی، مراجع و نظام آموزشی، مراجع و نظام حقوقی
مؤلفه‌ها	۱. مشروعیت سیاسی: توجیه‌گری اقدامات آل سعود، اطاعت مطلق از حاکمان سعودی، نفی مشارکت سیاسی مردم، مصلحت‌سنجی و سازشگری در عرصه سیاسی، رویکرد تسلیم‌گرایانه ۲. انحصار اجتماعی وهابیت: سنت‌گرایی، غرب‌ستیزی، تبعیض علیه اقلیت‌ها، محرومیت زنان
اهداف	حفظ بقا و گسترش آئین وهابیت، مشروعیت دادن به خاندان پادشاهی
چالش‌ها و موانع	تغییرات نسلی و افزایش جمعیت جوانان، شیعیان، لیبرال‌ها، اقدامات محمد بن سلمان

۴-۲. سیاست‌های هویتی جریان صحوی‌ها

الف) زمینه‌های سیاست‌های هویتی

همان‌طور که از نام صحوه پیداست، این جریان در جهت بیداری اسلامی تشکیل شده است و در همین خصوص، یکی از شیوخ مشهور صحوی؛ یعنی عایض‌القرنی در مورد اهداف این جریان چنین می‌گوید:

«احیای دین و حفظ اصالت آن؛ یعنی ما به دین باز می‌گردیم تا با علایق معاصر و بسیار جدیدی که بر تمدن و جامعه غالب است، بپردازیم ... صحوه یعنی بازگشت به ریشه‌ها پس از دوران طولانی اغتراب (بیگانگی و جدایی) و زندگی ایستا.» (الرشید، ۱۳۹۳: ۱۳۰).

ریشه شکل‌گیری جریان صحوی‌ها به دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی برمی‌گردد. در این دوران، افرادی با گرایش‌های اخوانی از کشورهای مصر و سوریه به عربستان مهاجرت کردند. علت این مهاجرت، سخت‌گیری رژیم‌های ناصری و بعثی نسبت به جریان اخوان المسلمین در این کشورها بوده است. از همین‌رو، ملک فیصل پادشاه وقت عربستان، به‌خاطر فقر نیروی انسانی، اخوانی‌ها را در حوزه آموزش و پرورش گمارد و مسئولیت‌هایی را در این حوزه به عهده آنان گذاشت. همچنین با ورود ثروت‌های سرشار از درآمد نفتی به جامعه، حاکمان سعودی ناگزیر به گسترش دانشگاه‌های اسلامی در عربستان شدند و از این‌رو، در آینده طیف گسترده‌ای از پیروان صحوی‌ها، شامل دانشجویان و روشنفکران دانشگاهی می‌شود.

این جریان که خود طیفی از اسلام‌گرایان در عربستان قلمداد می‌شود، از نظر مبانی و دیدگاه، متأثر از دو جریان وهابیت و اخوان‌المسلمین می‌باشد، اما با این وجود به‌عنوان یک

پدیده سعودی محسوب می‌شود. در همین راستا، جریان صحوه در مسائل اجتماعی تابع وهابیت رسمی و آموزه‌های محمد بن عبدالوهاب می‌باشد و عمدتاً به حفظ وضع موجود در حوزه فرهنگی - اجتماعی در عربستان قائل هستند و در مسائل سیاسی متأثر از رویکرد اخوان- المسلمین عمل می‌کنند؛ به گونه‌ای که به دنبال نوآوری در اعمال حاکمیت هستند و خواستار سازمان‌دهی تشکیل دولت اسلامی در عربستان می‌باشند (اسدی، ۱۴۰۰). البته گرایش صحوی‌ها به اخوان‌المسلمین عمدتاً مبتنی بر آموزه‌های سید قطب استوار است که در عرصه سیاسی مبارزه و جهاد با کفار را برای اصلاح جوامع مسلمین امری ضروری می‌داند، اما صحوی‌ها این دیدگاه را تعدیل و با عقاید وهابیت ترکیب کردند و صرفاً اصلاح حکومت سیاسی را هدف خود می‌دانند (لاکروا، ۱۳۹۹: ۷۱).

همان‌طور که ریشه شکل‌گیری این جریان در سطور بالا ذکر شد، ظهور و بروز آن‌ها در دهه ۱۹۹۰ به صورت رسمی و با بیان نظرات و انتقادات نسبت به حاکمیت سعودی و علمای وهابی آغاز گردید. پس از ورود نیروهای آمریکایی به عربستان در سال ۱۹۹۱ و مشروعیت- بخشی به آن از طریق فتوای عبدالعزیز بن باز، میان علمای برجسته صحوه و نظام سعودی تنش سیاسی ایجاد شد. شاخص‌ترین علمای این جریان؛ یعنی سلمان العوده، سفرالحوالی، عائض القرنی و ناصرالعمر، با خطابه‌های پرحرارتی ورود نیروهای خارجی و کافر به عربستان را محکوم کردند و به دنبال آن با صدور فتوایی، استقرار این نیروها در کشور را حرام اعلام نمودند (عظیمی، ۱۴۰۰). از آنجا که این جریان آشکارا به مخالفت با حکومت سعودی پرداخته بود، سبب گردید تا علاوه بر تاثیرگذاری بر سطح عمومی جامعه، سایر گروه‌ها و جریانات دیگر نیز پیگیر مطالبات و خواستار اصلاحات سیاسی در جامعه شوند و همین امر کافی بود تا دولت سعودی به دستگیری علمای شاخص این جریان اقدام کند. اما پس از مدتی، بنا به دلایل سیاسی، حاکمان سعودی علمای شاخص این جریان را با شروطی مانند عدم انتقاد و اعتراض به حاکمان سعودی، از زندان آزاد نمودند.

(ب) مؤلفه‌های سیاست‌های هویتی

مداخله در امر سیاست

درحقیقت سیاست هویتی این جریان با عنوان مداخله در امر سیاست شناخته می‌شود؛ زیرا صحوی‌ها از وهابیت رسمی در این زمینه فاصله می‌گیرند و خواهان اصلاح و تغییر حکومت سعودی و گشایش‌های سیاسی می‌باشند. به هر حال، صحوی‌ها به خاطر دیدگاه‌ها و اعتقاداتی که دارند، از دین‌داری سنتی متمایز می‌شوند و صرفاً اسلام را در چارچوب مناسک و عبادات نمی‌پذیرند. درحقیقت آن‌ها مناسک دینی را قبول دارند، اما معتقدند که دین اسلام منحصر در

۱. مفتی اعظم سعودی حد فاصل سال‌های (۱۹۹۲-۱۹۹۹)

مجموعه مناسک و عبادات نیست، بلکه با داشتن طرح و ایده کلی مدعی مداخله سیاسی - اجتماعی در جامعه می‌باشد. با داشتن چنین دیدگاهی، صحوی‌ها عملاً در پی ایجاد تغییر و تحول در جامعه مناسک‌گرای سعودی هستند؛ زیرا اینان با نگاهی که به مسائل عمومی و این جهانی دارند، نگاه خود را به سیاست و حوزه‌های مربوط به آن دوختند (عبدالملکی، ۱۴۰۰). از این نظر، صحوی‌ها با نگرشی موافق هستند که بتوان با اقدام انسانی که مبتنی بر منابع دینی علی‌الخصوص قرآن و سنت باشد، جامعه را تغییر و در مسیر اصلاح و بهبودی قرار داد. برای مداخله در امر عمومی، به ابزارهای مشروعی مانند برگزاری سخنرانی، ایجاد گروه‌ها و حلقه‌های مطالعاتی، مباحثه در مورد محورهای سیاسی و مذهبی، نیاز هست تا بدین شکل بتوان جامعه را سازماندهی و ساماندهی نمود. این جریان، با تفکراتی که دارد می‌خواهد این مفهوم را به کرسی بنشانند که از نظر مذهبی، دخالت در سیاست واجب است و از همین رو، اعضای آن از فعالان سیاسی به‌شمار می‌روند (الرشید، ۱۳۹۳: ۱۳۳-۱۲۹).

درحقیقت وهابیت رسمی، هدف اصلی اسلام را دعوت به توحید می‌داند و تأسیس دولت اسلامی را با شرایط خاصی قبول می‌کند؛ آن هم به‌صورتی که در آن جامعه احکام اسلامی اجرا شود و صرفاً یک مسلمان حاکم آنجا باشد که نه می‌توان انتقاد و اعتراض به حاکم نمود و نه علیه آن قیام کرد، اما صحوی‌ها با بیان این که هدف اصلی اسلام صرفاً دعوت به توحید نیست، بلکه در واقع هدف آن دعوت به تأسیس دولت اسلامی است که بتواند به اجرای شریعت بپردازد. در همین راستا، صحویون باور به نصیحت و نقد سیاست‌های حکومت به‌صورت آشکار دارند و این امر محدود به علما نخواهد بود؛ چراکه نقد حاکم و حکومتش بر همه مسلمانان واجب می‌باشد و به همین علت است که جریان صحوه در دهه ۱۹۹۰ نسبت به حضور نیروهای آمریکایی در عربستان به انتقاد از حاکمیت عربستان پرداخته و مخالفت خود را ابراز داشته است. چنین نگرشی باعث شده که صحویون مرز میان سیاست و دین را برچینند و در تنافر با وهابیت رسمی قرار بگیرند و تفسیر رسمی آن‌ها را در این حوزه به چالش بکشند. همچنین آن‌ها مدعی هستند که چنین جهان‌بینی برگرفته از تفسیر متون دینی می‌باشد (الرشید، ۱۳۹۳: ۱۳۶-۱۳۲). باوجود این که صحوی‌ها می‌خواستند نظام سیاسی در عربستان اصلاح شود، اما اصلاحاتی که مد نظر قرار دادند بیشتر رویکرد محافظه‌کاری به‌همراه داشت؛ زیرا قصدشان براندازی حکومت سعودی در عربستان نبود و همچنین در پی چنین امری، خواستار اقتدار مذهبی مستقلی در جامعه بودند تا بدون وابستگی به رژیم سیاسی به اعمال سیاست‌های مذهبی بپردازند (لاکروا، ۱۳۹۹: ۲۲۷).

غرب‌ستیزی و ضدیت با آمریکا و رژیم صهیونیستی

نکته حائز اهمیت که وجود دارد، این هست که صحوی‌ها در عرصه اجتماعی، اعتقادات و مواضع وهابیت را قبول دارند و به همین خاطر، در مواردی همچون نوع نگاه به حقوق زنان و

غرب‌ستیزی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، اما در مسأله‌ای مانند حضور و مداخله آمریکا در عربستان و سایر کشورهای اسلامی، دیدگاه‌های متفاوتی دارند؛ چراکه صحوی‌ها از همان ابتدا با ورود نیروهای آمریکایی به خاک عربستان مخالف بودند و سپس ایالات متحده رویکرد سیاست‌های مداخله‌جویانه در جهان اسلام را پی گرفته بود که صحوی‌ها با چنین امری ضدیت داشتند و آن را در همه جا ابراز می‌کردند.

هرچند صحوی‌ها سیاست‌سازش با حکومت سعودی را در پیش گرفتند و به تصمیمات حاکمان در حوزه سیاست اعتراض و انتقاد نمی‌کردند، اما تنها چیزی که صحويون پیرامون مسائل سیاسی نسبت به آن تغییر و تحولی نداشتند، مخالفت با سیاست‌های ایالات متحده در جهان اسلام بود و بدین طریق، جهان‌بینی ستیزه‌جویانه خود را از داخل کشور معطوف به خارج از کشور کردند. همچنین صحوی‌ها نسبت به اقدامات رژیم صهیونیستی در فلسطین نیز حساس هستند و مخالفت خویش را آشکارا ابراز داشته‌اند. درحقیقت علمای صحوی، رژیم صهیونیستی را دشمن اسلام و مسلمانان می‌دانند (اسدی، ۱۴۰۰) حتی سلمان العودة بکرات از مردم فلسطین دفاع و اقدامات تروریستی و ظالمانه رژیم صهیونیستی را توبیخ و محکوم کرده است (وبگاه اینترنتی تویبتر، ۱۴۰۰/۵/۵). همچنین علمای صحوی در مورد رویکرد مثبت و مخفی حکومت سعودی نسبت به رژیم صهیونیستی اعتراض دارند، اما به‌خاطر حفظ مصالح خود علناً در مقابل حکومت سعودی قرار نمی‌گیرند. به راستی این مؤلفه نیز از جمله مؤلفه‌های حمایت‌کننده به-شمار می‌رود.

ج) اهداف سیاست‌های هویتی

با توجه به رویدادهایی که برای این جریان طی سال‌های گذشته پدید آمده است، در شرایطی که از منازعه تا فرصت همکاری با حکومت سعودی را تجربه کرده‌اند، اهدافی را برای پیشبرد و جهت‌دهی مسیر جریان در نظر گرفتند. آن‌ها ضمن بقای خود، نیازمند حضور در کنار خاندان حکومتی بودند و برای حل مشکلات، اصلاح جامعه را در نظر داشتند. آن‌ها معتقدند که منشأ تمام مشکلات، در جامعه است و بر همین اساس، هدف کوتاه‌مدت خویش را مبنی بر اصلاح جامعه گذاشتند که البته سران این جریان، هدف بلندمدتی را نیز در نظر دارند که همان تشکیل حکومت اسلامی است (آجرلو، ۱۴۰۰). در واقع می‌بایست ابتدا جامعه، اسلامی شود و سپس بدون توسل به خشونت و از راه مسالمت‌آمیز برای تأسیس دولت اسلامی اقدام کرد. به همین خاطر هست که توانسته‌اند با هدف اصلاح جامعه در کنار خاندان حاکم قرار بگیرند و جریان صحوه را زنده نگه دارند.

(د) چالش‌ها و موانع سیاست‌های هویتی

جریان صحوه برای پیشبرد اهداف خود با چالش‌ها و موانعی مواجه هست. درحقیقت، این جریان اسلام‌گرا که رویکرد سیاسی و اصلاحی دارد، از یکسو جریانات لیبرال، شیعیان و جهادی‌ها به‌خاطر اندیشه و تکفراتشان در برابر این جریان قرار گرفتند و چالش‌هایی را برای صحوی‌ها به‌وجود آوردند؛ زیرا لیبرال‌ها و شیعیان که جریان غیر خودی و کافر محسوب می‌شوند و جهادی‌ها نیز در مخالفت با سیاست‌های هویتی صحوی حرکت می‌کنند. از سوی دیگر، رویکرد غرب‌محوری حکومت سعودی، یکی دیگر از مهم‌ترین موانعی است که صحوی‌ها با آن مواجه هستند؛ چون غرب‌محوری در تنافر با سیاست‌های هویتی صحوی‌ها قرار دارد و حکومت سعودی به‌راحتی این رویکرد را در برخی مواقع برای انجام سیاست‌های خویش به کار می‌گیرد.

جدول ۳: سیاست‌های هویتی جریان صحوی‌ها (منبع: یافته‌های مقاله)

زمینه‌ها	متأثر از وهابیت و اخوان المسلمین و رویدادهای دهه ۱۹۹۰
مؤلفه‌ها	مداخله در امر سیاست، غرب‌ستیزی و ضدیت با آمریکا و رژیم صهیونیستی
اهداف	اصلاح جامعه و تشکیل حکومت اسلامی
چالش‌ها و موانع	لیبرال‌ها، جهادی‌ها، رویکرد غربی حکومت سعودی

۴-۳. سیاست‌های هویتی جهادی‌ها**الف) زمینه‌های سیاست‌های هویتی**

پس از آن که وهابیت توانست در عربستان رشد کند و به عقاید خود جامه عمل بپوشاند، در فرایند تداوم حیات سیاسی، عربستان نقش ویژه‌ای را ایفا نمود. ارزش‌های مذهبی در نزد حاکمان سعودی از اهمیت بالایی برخوردار است و از این‌رو، در راستای گسترش و توسعه آن تلاش زیادی را انجام دادند؛ همچنان که تکفیر و جهاد در وهابیت، یکی از مهم‌ترین آموزه‌های محمدبن‌عبدالوهاب به‌شمار می‌رود. حاکمان سعودی از این عوامل در حوزه سیاست خارجی برای عمق بخشیدن به استراتژی منطقه‌ای خویش استفاده نموده است (عبدالملکی، ۱۴۰۰). از همین رو در جنگ افغانستان در دهه ۱۹۸۰، سعودی‌ها با حمایت و پشتیبانی آمریکا، استراتژی سیاسی - مذهبی خود را به مثابه جهاد با کفار ترسیم نمودند. در حقیقت، به‌دلیل این که کمونیست‌های شوروی در افغانستان حضور داشتند، در نزد سعودی‌ها کافر قلمداد می‌شدند و به همین علت به‌راحتی جوانان سعودی با بهانه مبارزه با کفار، رهسپار افغانستان شدند. درحقیقت رژیم با چنین استراتژی که در پیش گرفت، کشور افغانستان را به بهشت جهادی‌ها تبدیل کرد. حضور جوانان وهابی در افغانستان برای جهاد با کفار، یکی از مهم‌ترین فرصت‌هایی است که در جهت فعالیت سیاسی - نظامی در اختیار جوانان عربستانی قرار گرفته بود و به‌واقع می‌توان گفت؛ همین امر زمینه فعالیت سیاسی - نظامی جهادی‌ها در کشور خود را فراهم کرد. آل سعود و علمای وهابی فکر نمی‌کردند که پس از حضور جهادی‌ها در افغانستان، تنها پس از

مدتی کوتاه، تئوری تکفیر و جهاد را که خود علیه کفار طراحی کرده بودند و از حامیان سرسخت آن به‌شمار می‌رفتند، علیه حاکمیت عربستان توسط همان جهادی‌ها اقامه گردد و در ضدیت با یکدیگر قرار بگیرند (کرمی، ۱۴۰۰).

در دهه ۱۹۹۰ که جنگ خلیج فارس بین عراق و کویت شکل گرفت، مسئولین آمریکایی برای حفظ منافع خود در منطقه، با همکاری حاکمان سعودی، نیروهای نظامی خود را وارد عربستان کرد، اما همین عامل کافی بود تا جهادی‌های بازگشته از افغانستان به رهبری اسامه بن‌لادن^۱ همانند صحوی‌ها به این امر اعتراض و مخالفت خود را ابراز دارند. البته قبل از این ماجرا، بن‌لادن پیشنهاد خود مبنی بر کمک مجاهدان برای دفع تهدید نیروهای عراقی علیه عربستان را به ملک فهد داده بود، اما پادشاه این پیشنهاد را نپذیرفت. ماجرا از همین‌جا آغاز شد و بن‌لادن با انتقادهای خود علیه حاکمان به‌خاطر حضور نیروهای آمریکایی در عربستان، تضاد میان گروه خود و حکومت سعودی را افزایش داد. در ادامه هم به دلیل حمایت نظام سعودی از توافق سازش با رژیم صهیونیستی، تنش میان بن‌لادن و رژیم بیشتر و بیشتر شد که در نهایت همین عوامل ضدیت با حکومت پیامدهایی برای وی به‌همراه داشت که به حبس خانگی دچار گردید، اما به کمک خانواده خود توانست از این مخمصه نجات پیدا کند؛ سپس با فرار از عربستان روانه سودان شد. پس از مدتی کوتاه، به‌دستور حکام عربستان، به‌خاطر عقاید خطرناک بن‌لادن، تابعیت سعودی وی هم سلب گردید (کمالی، ۱۳۹۱: ۹-۳۹۸).

بن‌لادن در سال ۱۹۹۶ با صدور بیانیه‌ای رسمی، جهاد علیه آمریکا و متحدانش که شامل عربستان هم می‌شد را آشکارا اعلام کرد. دقیقاً از همین زمان، گروه جهادی القاعده به رهبری بن‌لادن فعالیت‌های خود را علیه حکومت سعودی آغاز و تلاش کرد با ایجاد شبکه‌سازی در عربستان، بقای این حکومت را مورد تهدید قرار دهد. هرچند القاعده به‌صورت جسته و گریخته اقداماتی را برضد نظام سعودی انجام داد، اما اوج این فعالیت‌ها در حفاصل سال‌های (۲۰۰۶-۲۰۰۳) در خود عربستان با انجام ترور و بمب‌گذاری انجام شده است.

با تمام این شرایط، حکومت سعودی نتوانست یا نخواست، جهادی‌ها را در جامعه عربستان حفظ کند؛ زیرا از یکسو با عدم پذیرش و عدم رسیدگی به جهادی‌ها، آن‌ها را به حاشیه جامعه رانده بود؛ از سوی دیگر، با تقاضای آنان مبنی بر حضور در جنگ دوم خلیج فارس مخالفت کرد و به جای میدان دادن به آن‌ها، از نیروهای آمریکایی برای حضور در عربستان و مقابله با عراق دعوت کرد (ابراهیم، ۱۳۹۵: ۱۲۱-۱۱۸). حکومت سعودی با این کار تیشه به ریشه خود زد؛ زیرا هسته‌های جهادی باوجود داشتن تجربه جنگ و پیروزی در نبرد با کمونیست‌ها، برایشان خیلی دشوار و سنگین بود که با چنین شرایطی، حکومت سعودی دست یاری به سمت آمریکایی‌ها دراز کند و از آن‌ها یاری بطلبد. علاوه بر این، با توجه به آموزه‌های وهابیت مبنی

۱. نماینده عربستان در جنگ افغانستان برای رهبری جوانان جهادی

بر عدم همکاری با کافران که از قضا شامل آمریکا هم می‌گردید، آتش شعله درونی هسته‌های جهادی زبانه کشید و همراه با سایر جریان‌های علیه حکومت شوریدند. از این زمان به بعد، رابطه جهادی‌ها با حکومت روی به سردی گرایید و اندک اندک مسیر خود را از رژیم سعودی جدا کردند. در حقیقت، مؤلفه‌های سیاست‌های هویتی جهادی‌ها، تکفیر، جهاد و خشونت‌گرایی است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

ب) مؤلفه‌های سیاست‌های هویتی

تکفیر

بن‌لادن که از جانب جهادی‌ها، قهرمان تلقی می‌شد، توسط حکومت به‌عنوان عنصر نامطلوب معرفی گردید؛ هرچند خود جهادی‌ها به‌خاطر عقایدشان نسبت به حکومت و اقدامات خشونت‌آمیزی که برضد حکومت انجام دادند، به‌عنوان الفئۃ الضالۃ^۱ معرفی شدند (الرشید، ۱۳۹۳: ۲۰۳). از این پس جهادی‌ها با استناد و بهره‌گیری از آیات قرآن و احادیث نبوی که مبتنی بر اخراج کفار و مشرکین از سرزمین وحی می‌باشد، در راستای مبارزه با حکومت در مورد حضور آمریکایی‌ها در شبه جزیره عربستان قرار می‌گیرند؛ هرچند سازمان القاعده در افغانستان رشد و نمو کرده است، اما ریشه و عقاید آن برگرفته از عقاید وهابیت سعودی می‌باشد و این که فوج فوج از جوانان سعودی طی سال‌های متمادی به عضویت این گروه درآمدند و سردسته آن هم که أسامه بن‌لادن باشد، محصول جامعه عربستان است؛ البته القاعده شاخه‌های مختلفی در کشورهای دیگر هم دارد و شاخه سعودی آن با کمک بن‌لادن و افراد دیگر فعال و حرکت نمود.

جهادی‌ها در شرایطی قرار گرفتند که در نهایت حکومت سعودی را تکفیر و جهاد علیه آن را آشکارا اعلام نمودند. مطابق همین امر، بن‌لادن طی فتوایی در سال ۱۹۹۶ که به اعلامیه جهاد معروف است، به محکومیت رژیم سعودی می‌پردازد و اقدامات آن را در جهت منافع آمریکایی و صهیونیستی و زیان ملت عربستان می‌خواند. علاوه بر این، نکاتی را هم در مورد ناکارآمدی حکومت در زمینه‌های مختلف بیان کرد؛ چراکه معتقد است به‌خاطر چنین شرایطی، رنج و محنت زیادی نسبت به مردم عربستان تحمیل شده است. در این اعلامیه، بن‌لادن به-صراحت اعلام می‌دارد که به دو دلیل، حکومت سعودی مشروعیت خود را از بین برده است: «۱. تعلیق قانون اساسی شریعت و جایگزینی آن با قانون مدنی ساخته انسان ۲. ناتوانی حکومت در حفاظت از کشور و اجازه دادن به دشمن امت - نیروهای صلیبی آمریکا - برای اشغال سرزمین حرمین شریفین» (کمالی، ۱۳۹۱: ۰۱-۴۰۰). از همین رو، استراتژی سیاسی - مذهبی که بن‌لادن و جهادی‌ها در دستور کار خود قرار داده بودند، در راستای تکفیر قرار داشت

۱. گروه گمراه

که این استراتژی عبارت است از مبارزه با کفار در درون سرزمین اسلامی و خروج آنان از این منطقه. از این لحاظ، نوک پیکان حملات جهادی‌ها، در وهله اول به سمت ایالات متحده قرار داشت و سپس مبارزه با حکومت سعودی به‌خاطر برقراری رابطه با آمریکا و همکاری در جهت منافع کفار.

جهاد و خشونت‌گرایی

جهادگرایی، علاوه بر این که ریشه در تفسیر متون دینی وهابیت دارد، محصول جامعه عربستان است که از بستری مذهبی و ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی خاصی برخوردار است. بر همین اساس، یادگیری مفاهیم جهاد و آغاز رشد آن در خود عربستان کلید خورده است. در واقع یک شخص جهادی به‌خاطر محرومیت اقتصادی و یا حاشیه‌نشینی اجتماعی اقدام به جهاد نمی‌کند، بلکه با توجه به ایمان و اعتقادی که دارد به سمت جهاد و عملیات‌های خشونت-آمیز کشیده می‌شود و هراسی هم به دل راه نمی‌دهد؛ چون معتقد است که جایگاهش در بهشت اخروی قرار دارد. سلفی جهادی در عربستان سعودی، مولود یک ایدئولوژی درون‌مذهبی است که به درستی باورها و اعتقادات راسخ خود ایمان دارد و برای این که نسبت به این باورها جامه عمل بپوشاند، از انجام هر عملی دریغ نمی‌کند. از همین‌رو، پس از انجام عملیات‌های چندجانبه القاعده در آمریکا و انفجار برج‌های دوقلو در یازده سپتامبر ۲۰۰۱، شرایطی پدید آمد که ایالات متحده برای مبارزه با تروریسم به افغانستان حمله کرد و از این زمان به بعد، شاخه سعودی القاعده برای جهاد در عربستان مصمم‌تر و جسورتر شد. هرچند سازمان القاعده دارای شاخه‌های مختلفی در سایر کشورهای مسلمان می‌باشد، اما جهادی‌های سعودی در قالب این گروه، برضد حکومت به مبارزه پرداختند و بر اساس مبانی فکری‌شان در مورد جهاد و ارشادات بن‌لادن در این زمینه، به انجام اقدامات خشونت‌آمیزی مبادرت ورزیدند. روحانیون و رهبران جهادی، آرمان مبارزه در راه خدا در عربستان را برای جهادی‌ها ترسیم نمودند و با ایجاد کمپین رسانه‌ای، برای تبلیغ عقاید و جذب نیروهای جدید، فعالیت خود را گسترش و سامان دادند (عبدالملکی، ۱۴۰۰).

در همین راستا، «بن لادن با استناد به آیات قرآن درباره جهاد، بر مشروعیت جهاد تأکید می‌کرد و معتقد بود؛ جهاد واجب عینی است و اگر کسی نتواند به مجاهدان بپیوندد، گناه کبیره‌ای مرتکب شده است. او مهم‌ترین وظیفه مؤمن را پس از ایمان آوردن، دفع دشمن متجاوز می‌دانست و این که تمام امت باید امکانات، فرزندان و پول خود را به نبرد با کفار و بیرون راندن آن‌ها از سرزمین‌های اسلامی اختصاص دهد» (علیخانی، ۱۳۸۸: ۲۹۳). از همین‌رو، مهم‌ترین و اساسی‌ترین راهکار جهادی‌ها برای رسیدن به اهداف خود، از طریق جهاد و مبارزه حاصل می‌شود.

بن‌لادن از سال ۲۰۰۰ به بعد، توانست با موفقیت دو شبکه جهادی مجزا را در عربستان تشکیل دهد که در رأس هرکدام عبدالرحیم النشیری و یوسف العییری را قرار داد. بن‌لادن با بهره‌گیری از عملیات ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان و عراق، توانست نیروهای خود را در عربستان افزایش دهد. در نهایت از سال ۲۰۰۳ به بعد، عملیات‌های خشونت‌آمیزی که به-عنوان جهاد در راه خدا تلقی می‌شد، به‌دستور بن‌لادن در عربستان شروع شد که مهم‌ترین این عملیات‌ها عبارتند از: ترور تبعه‌های آمریکایی در سال ۲۰۰۳ در شرق ریاض، انجام عملیات بمب‌گذاری و انفجار مجتمع‌های مسکونی تحت عنوان «بدرالریاض» در سال ۲۰۰۳، کشتن تعدادی از مهندسان آمریکایی در سال ۲۰۰۴، حمله به کنسولگری آمریکا در سال ۲۰۰۵ و با ماشین‌های بمب‌گذاری شده در سال ۲۰۰۶، به یکی از پالایشگاه‌های نفتی حمله کردند (کمالی، ۱۳۹۱: ۴۰۶ - ۴۰۲).

ج) اهداف سیاست‌های هویتی

جهادی‌ها، خود را امتداد جریان وهابیت اصیل می‌دانند و با وهابیت رسمی و صحوه به مخالفت می‌پردازند. درحقیقت، جهادی‌ها خود را برحق می‌پندارند و اولویت مبارزه را با کفار و مظاهر مدرن و شرک‌آلود پایه‌گذاری می‌کنند. با توجه به رویدادهایی که در سال‌های اخیر برای جهادی‌ها در عربستان اتفاق افتاد، این جریان کم‌کم انسجام خویش را در این کشور از دست داده است و عملاً جریان جهادی منسجم‌یافته در حال حاضر در عربستان وجود ندارد، اما از آنجا که آموزه‌های وهابیت، افراطی‌گری را ترویج می‌کند و عموم مردم عربستان هم سنتی و محافظه‌کار محسوب می‌شوند، همچنان اندیشه و تفکر جهادی‌ها در عربستان وجود دارد (احمدیان، ۱۴۰۰). همین عامل، یکی از چالش‌هایی است که بن‌سلمان با آن مواجه است؛ زیرا احتمال دارد مردم عربستان نسبت به مدرنیزاسیون، اصلاحات و اجرای سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ به‌مرور به مقابله و مخالفت بپردازند و برای اینکه بتوانند به اهدافشان دست یابند، روی به رویکردهای افراطی‌گری و رادیکالی‌آوردند که در نتیجه دو مرتبه جریان جهادی‌ها، فعال و منسجم می‌شود و کار را برای بن‌سلمان و خاندان پادشاهی دشوار می‌کند.

در همین راستا، با توجه به مطالبی که در مورد مجاهدین در سطرهای گذشته بیان شد، اهداف این جریان بدین صورت است که ابتدا عربستان از کفار و مشرکین پاکسازی شود و سپس حکومت سعودی سرنگون و نابود گردد و درنهایت حکومت اسلامی را ایجاد کنند.

د) چالش‌ها و موانع سیاست‌های هویتی

مجاهدین سعودی، منشعب شده از جریان وهابیت سنتی می‌باشند. از یکسو مبانی فکری و عقایدشان برگرفته از وهابیت است و از سوی دیگر، با فتوای علمای وهابی رهسپار جنگ افغانستان شدند که درواقع آغاز فرایند شکل‌گیری این جریان و اولین اقدام و عملیات

جهادی‌شان از اینجا شروع می‌شود. پس از رویدادهایی که اتفاق افتاد، اندک اندک مجاهدین در مقابل حکومت سعودی، وهابیت رسمی و جریان صحوه قرار گرفتند.

تصمیمات و سیاست‌های حکومت سعودی، باعث فعال شدن و جبهه‌گیری جریان مجاهدین برضد حکومت گردید. جهادی‌ها به‌خاطر همکاری خاندان سلطنتی با آمریکا و حضور نیروهای آن‌ها در خاک عربستان، اعتراضات خود را آغاز کردند و حکومت سعودی هم بدون توجه به خواسته‌های آنان، فرایند طرد و عدم رسیدگی به مجاهدین را در دستور کار خود قرار داد. با گذشت زمان، تقابل حکومت و مجاهدین به رهبری بن‌لادن بیشتر و بیشتر شد؛ تا جایی که به انجام عملیات‌های جهادی در خاک عربستان منجر گردید. خاندان سلطنتی که حاکمیت کشور را بر عهده دارد، توانست رابطه خود با آمریکا را استمرار بخشد و در عرصه‌های مختلف با ایالات متحده همکاری و از اقدامات و سیاست‌هایش در منطقه حمایت کند. جهادی‌ها، استمرار رابطه و همکاری حکومت سعودی را با آمریکا که از نظر آنان کافر محسوب می‌شود، محکوم کرده و هدف خود را بیرون راندن مشرکین از سرزمین وحی و سلب حاکمیت خاندان سعودی و خالی کردن دست آن‌ها از حکومت عربستان قرار داده‌اند.

وهابیت رسمی، یکی دیگر از چالش‌ها و موانع فراروی جهادی‌ها است. جهادی‌های سعودی، وهابیت رسمی را که در کنار حاکمیت سعودی قرار گرفته است را مذمت و سرزنش می‌کنند؛ چرا که کاملاً در اختیار منافع خاندان حاکم هستند و هرآنچه را که حکومت بخواهد و یا منافع آن ایجاب کند، بدون هیچ معطلی با برچسب مذهبی بدان مشروعیت می‌بخشند. از این رو، جهادی‌ها معتقدند که وهابیت رسمی از آموزه‌های وهابیت فاصله گرفته و به‌عبارتی دیگر منحرف شده است.

یکی دیگر از چالش‌هایی که مجاهدین سعودی با آن روبرو هستند، جریان صحوه می‌باشد؛ البته در ابتدا این دو جریان در کنار یکدیگر علیه حکومت سعودی به اعتراض و انتقاد پرداخته بودند و به همین دلیل، علمای شاخص صحوی توسط حکومت دستگیر و روانه زندان شدند. ولی پس از آزادی از زندان، علمای صحوی همچون سلمان العودة و سفرالحوالی، با حکومت سعودی همکاری کردند و از جریان جهادی‌ها فاصله گرفتند، اما این تمام ماجرا نبود؛ چراکه علمای شاخص صحوی در مقابل جهادی‌ها قرار گرفتند. زیرا از یکسو کوشیدند جهادی‌ها را از اقدام علیه حکومت منصرف و به توبه تشویق کنند؛ از سوی دیگر، چون مجاهدین به انجام عملیات و اقدامات جهادی اصرار داشتند، عملاً با توییح و محکومیت علمای صحوی روبرو شدند. دقیقاً با چنین شرایطی، جریان صحوه به‌عنوان یکی از موانع جهادی‌ها قلمداد شد (کرمی، ۱۴۰۰).

جدول ۴: سیاست‌های هویتی جهادی‌ها (منبع: یافته‌های مقاله)

زمینه‌ها	رویدادهای دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰
مؤلفه‌ها	تکفیر، جهاد و خشونت‌گرایی
چالش‌ها و موانع	حکومت سعودی، صحوی‌ها، وهابیت رسمی
اهداف	پاکسازی عربستان از کفار و مشرکین، سرنگونی و نابودی حکومت سعودی، برپایی حکومت اسلامی

ادعای عربستان سعودی مبنی بر رهبری جهان اسلام و محوریت کشورهای عربی و اسلامی در آینده، ضرورت کالبدشکافی جامعه و سیاست در عربستان را دوچندان ساخته بود. به همین خاطر، نگارندگان با توجه به همین ضرورت، سیاست‌های هویتی اسلام‌گرایی را در عربستان مورد بررسی قرار دادند. از همین‌رو، سؤال اصلی پژوهش مبتنی بر این بود که شاخص‌های سیاست‌های هویتی اسلام‌گرا در عربستان سعودی کدام‌اند؟ بر همین اساس، نگارندگان جریانات اسلام‌گرایی در عربستان را به سه گروه وهابیت رسمی، صحوی‌ها و جهادی‌ها تقسیم نموده و هر جریان را از حیث زمینه‌ها، مؤلفه‌ها، چالش‌ها، موانع و اهداف سیاست‌های هویتی مورد بررسی قرار دادند. در نهایت، با توجه به اشتراکات هر سه جریان، شاخص‌های سیاست‌های هویتی اسلام‌گرایی مشخص گردید که در پایان مقاله، در جدول شماره ۵ به آن‌ها اشاره شده است.

نتیجه‌گیری

سیاست‌های هویتی هنگامی پدید می‌آیند که موضوعات و مسائل هویتی امکان سیاسی شدن را داشته و به عبارتی دیگر؛ مسائل و موضوعات هویتی، تمایل و گرایش به حضور در عرصه سیاسی را داشته باشند. از همین‌رو، ظهور و بروز سیاست‌های هویتی در جامعه، به دو صورت انجام می‌پذیرد که یا حاکمان سیاسی به دنبال تصویرسازی و عقلانی کردن هویت مدّ نظر خویش، سیاست‌های هویتی خود را در جامعه اعمال می‌کنند یا این که گروه‌ها و جریانات غیرحکومتی به نوع و خوانش هویتی حاکمان، معترض و با توجه به بنیان‌های هویتی خویش، به دنبال ایجاد سیاست‌های هویتی مدّ نظر خود هستند. به همین دلیل، برشمردن و شناخت سیاست‌های هویتی هر جریان در هر جامعه‌ای مهم است؛ زیرا از این طریق می‌توان بنیان‌های هویتی آن را شناخت و رویکردهایش را در حوزه‌ها و عرصه‌های مختلف جامعه مورد بررسی قرار داد. در همین راستا، اسلام‌گرایی به قرائت وهابی، یکی از پایه‌های اصلی هویتی عربستان سعودی به‌شمار می‌رود و خاندان پادشاهی نیز مشروعیت خود را از آن می‌گیرد. با توجه به چنین فرایندی، طبیعی است که هیچ جریان و گروهی به غیر از اسلام وهابی، اجازه بروز و ظهور در جامعه را ندارد. از این‌رو، علاوه بر این که تشکیل و فعالیت احزاب سیاسی و مذهبی در این کشور ممنوع است، در این عرصه به‌طور انحصاری همه چیز در دستان وهابیت قرار دارد و در نهایت از پدیده تکثر و پلورالیسم مذهبی در عربستان سعودی جلوگیری شده است. مطابق همین شرایط، شیعیان مانند سایر اقلیت‌های دینی به حاشیه جامعه رانده شده‌اند و از انجام اعمال و مناسک مذهبی خود محروم هستند. از همین‌رو، برای شناخت شاخص‌های سیاست‌های هویتی اسلام‌گرا، جریانات ذیل آن مانند وهابیت رسمی، صحوی‌ها و جهادی‌ها را به تفکیک از حیث زمینه‌ها، مؤلفه‌ها، اهداف، چالش‌ها و موانع سیاست‌های هویتی مورد بررسی قرار دادیم. با وجود این که جریان صحوی‌ها و جهادی‌ها، منشعب شده از وهابیت می‌باشند، اما

دارای تفاوت‌ها و اشتراکاتی نیز با یکدیگر هستند. البته هرکدام از جریان‌ها، به بنیان‌های وهابیت اعتقاد دارند و موارد اختلاف بین آن‌ها عمدتاً در مسائل سیاسی، تشکیل دولت اسلامی، انتقاد و اعتراض به خاندان حاکم می‌باشد. در نهایت می‌توان با توجه به اشتراک سیاست‌های هویتی هر سه جریان وهابی به شاخص‌های سیاست هویتی اسلام‌گرایی نیز دست پیدا کرد که در جدول ذیل این شاخص‌ها آمده است.

جدول ۵: شاخص‌های سیاست‌های هویتی اسلام‌گرایی

مشروعیت دادن به اقدامات و تصمیمات حکومت سعودی
مخالفت و ضدیت با فرهنگ و مضامین غربی
تکفیر و جهاد با مشرکان و کافران
رویکرد تبعیض آمیز علیه شیعیان و محروم کردن آنها از حقوق اولیه زندگی
اِعمال قوانین سختگیرانه علیه زنان و بی‌هویت شدن آنها
مخالفت و ضدیت با لیبرال‌ها و سکولارها
نظام آموزشی و حقوقی مبتنی بر آموزه‌های وهابیت
مخالفت با دموکراسی و نفی مشارکت سیاسی مردم
گسترش و تبلیغ وهابیت
تاکید بر سنت‌گرایی و مخالفت با مدرن کردن
استمرار و بقا حکومت خاندان سعودی

کتابنامه

- ابراهیم، فؤاد (۱۳۹۵). *سلفیت جهادی در عربستان سعودی*، ترجمه: علیرضا فرازی، قم: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع).
- ابوریش، سعیدک (بی‌تا). *آل سعود و انتفاضه الحرم*، جزوه سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب، تهران.
- احمدیان، حسن (۱۴۰۰). *سیاست‌های هویتی در عربستان سعودی*، گفتگوی نگارندگان با ایشان.
- احمدیان، حسن (۱۴۰۰). *مصاحبه با ایشان در موضوع سیاست‌های هویتی در عربستان سعودی*.
- اسدی، علی اکبر (۱۴۰۰). *سیاست‌های هویتی در عربستان سعودی*، گفتگوی نگارندگان با ایشان.
- اسدی، علی اکبر (۱۴۰۰). *مصاحبه با ایشان در موضوع سیاست‌های هویتی در عربستان سعودی*.
- آجرلو، حسین (۱۴۰۰). *مصاحبه با ایشان در موضوع سیاست‌های هویتی در عربستان سعودی*.
- آجرلو، حسین (۱۴۰۰). *سیاست‌های هویتی در عربستان سعودی*، گفتگوی نگارندگان با ایشان.
- آل سید غفور، سید محمد تقی؛ زهیری، علیرضا (۱۳۹۵). *سیاست هویت و جنبش‌های اجتماعی جدید*، فصلنامه علوم سیاسی، ۱۹(۷۴): ۱۳۰.

- بادیب، سعید (۱۹۹۴). *العلاقات السعودية الايرانية ۱۹۲۲-۱۹۸۲*، لندن: دارالساقی و مرکز الدراسات العربية والايرانية.
- البرصان، حمد؛ الحمد، جواد؛ الرشدان، عبدالفتاح (۱۴۴۱). آفاق السياسة الخارجية السعودية في العهد الملك سلمان بن عبدالعزيز، امان: دائرة المكتبة الوطنية.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹). در آمدی بر جامعه شناسی تجدد، *مجله نقد و نظر*، ۷(۲۴-۲۵): ۱۴۵.
- بن باز، عبدالعزیز (بی تا). *فتاوی المرأة*، ریاض، دارالوطن.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). *جهانی شدن و هویت؛ هویت ملی و جهانی شدن*، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی دانشگاه تهران.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۸۶). *اسلام سیاسی در ایران*، قم: انتشارات دانشگاه مفید الحفیان، کریم (۱۴۴۰). *المقدسی، الاب الروحی للسلفية الجهادية*، امان: دارالفکر اسلامیة.
- الرشید، مضای (۱۳۹۳). *عربستان سعودی و جریان های اسلامی جدید*، ترجمه: رضا نجف زاده، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
- رفعیان، سجاد (۱۴۰۰). *سیاست های هویتی در عربستان سعودی*، گفتگوی نگارندگان با ایشان.
- رفعیان، سجاد (۱۴۰۰). *مصاحبه با ایشان در موضوع سیاست های هویتی در عربستان سعودی*.
- شرابی، هشام (۱۳۶۹). *روشنفکران عرب و غرب، سال های تکوین ۱۹۱۴-۱۸۷۵*، ترجمه عبدالرحمن العالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- طاهری، سید مهدی؛ احمدوند، شجاع (۱۳۹۴). *وها بیت و استمرار حاکمیت آل سعود*، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، زمستان، شماره ۱۷.
- عبدالملکی، محسن (۱۴۰۰). *سیاست های هویتی در عربستان سعودی*، گفتگوی نگارندگان با ایشان.
- عبدالملکی، محسن (۱۴۰۰). *مصاحبه با ایشان در موضوع سیاست های هویتی در عربستان سعودی*.
- عظیمی، مرتضی (۱۴۰۰). *سیاست های هویتی در عربستان سعودی*، گفتگوی نگارندگان با ایشان.
- عظیمی، مرتضی (۱۴۰۰). *صاحبه با ایشان در موضوع سیاست های هویتی در عربستان سعودی*.
- علیخانی، عبدالله (۱۳۸۸). *امنیت بین الملل (۴) (ویژه القاعده)*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: راه رشد.

کاظمی، احسان؛ رضادوست، کریم (۱۳۹۸). نظریه‌های سیاست هویت، تهران: انتشارات عقل سرخ.

کریمی، کامران (۱۴۰۰). سیاست‌های هویتی در عربستان سعودی، گفتگوی نگارندگان با ایشان.

کریمی، کامران (۱۴۰۰). صاحب‌با ایشان در موضوع سیاست‌های هویتی در عربستان سعودی.

کمالی، حمیدرضا (۱۳۹۱). خاورمیانه (۹)؛ ویژه مسائل داخلی عربستان، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

لاکروا، استفان (۱۳۹۹). اسلام‌گرایی سعودی؛ پویش‌های سیاست و مذهب در عربستان معاصر، ترجمه: محمود مقدس و حمدالله اکوانی، تهران: انتشارات سبزان.

مالکی، حسن بن فرحان (۱۳۸۶). مبلغ نه پیامبر، ترجمه سید یوسف مرتضوی، قم: نشر ادیان.

ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱). راهی به رهایی، تهران: نشر نگاه معاصر.

النقیدان، منصور (۲۰۱۲). الملوك المحتسبون؛ الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فی السعودیه، دبی: مرکز المسبار للدراسات و البحوث.

اکانت توییت سلمان العوده (حمایت از فلسطین) در تاریخ ۱۴۰۰/۵/۵ توسط نگارنده مشاهده

شده است: https://twitter.com/salman_alodah/status/88834864205415628

References

- Abdul Maleki, Mohsen (2021). Interview with him on identity politics in Saudi Arabia. (in Persian).
- Abu Rish, Saeed.K (no date). Al-Saud and the Intifada of the Shrine, Booklet of the Islamic Revolution Organization of the Arabian Peninsula, Tehran. (in Persian).
- Ahmadian, Hassan (2021). Interview with him on identity politics in Saudi Arabia. (in Persian).
- Ajarlu, Hussein (2021). Interview with him on identity politics in Saudi Arabia. (in Persian).
- Al-Bursan, Hamad; Alhamd, Jawad; Al-Rashdan, Abdel-Fattah (2020). The prospects for Saudi foreign policy during the reign of King Salman bin Abdulaziz, Aman: The National Library Department.
- Al-Hafyan, Karim (2019). Al-Maqdisi, the spiritual father of jihadist Salafism, Aman: Dar Al-Fikr Islamiyah.
- Alikhani, Abdullah (2009). International Security (4) (Al-Qaeda), Tehran: Abrar International Institute for Contemporary Cultural Studies and Research. (in Persian).
- Al-Naqidan, Mansour (2012). The Muhtasib kings; Enjoining Good and Forbidding Evil in Saudi Arabia, Dubai: Al-Misbar Center for Studies and Research.

- Al-Rasheed, Madawi (2014). *Saudi Arabia and New Islamic Currents*, translated by Reza Najafzadeh, Tehran: Institute of Culture, Arts and Communication. (in Persian).
- Al-Sayyid Ghafoor, Sayyid Muhammad Taqi; Zuhairi, Alireza (2016). *The Politics of Identity and New Social Movements*, Quarterly Journal of Political Science, Year 19, Summer, No. 74, p. 130. (in Persian)
- Amid, Hassan (2010). *Farhang Farsi Amid*, Tehran: The Road to Growth. (in Persian).
- Asadi, Ali Akbar (2021). Interview with him on identity politics in Saudi Arabia. (in Persian).
- Azimi, Morteza (2021). Sahebeh with him on the issue of identity policies in Saudi Arabia. (in Persian).
- Badib, Saeed (1994). *Saudi-Iranian Relations 1922-1982*, London: Dar Al-Saqi and Center for Arab and Iranian Studies. (in Persian).
- Bashirieh, Hussein (2000). *An Introduction to the Sociology of Modernity*, Journal of Criticism and Opinion, Year 7, No. 25-24, p. 145. (in Persian).
- Bin Baz, Abdel Aziz (BTA). *Women's Fatwas*, Riyadh, Dar Al-Watan.
- DeLong-Bas, N (2010). *Wahhabism*, London: Oxford University Press.
- Feldman, Noah. (2020). *The Arab Winter: A Tragedy*, New Jersey: Princeton University Press.
- Gregory, F. Gause (2011), "Saudi Arabia in the New Middle East" Council Special Report, no 63, Council on Foreign Relations (CFR), Dec.
- Hosseinizadeh, Seyed Mohammad Ali (2007), *Political Islam in Iran*, Qom: Mofid University Press(in Persian).
- Ibrahim, Fouad (2016). *Jihadi Salafism in Saudi Arabia*, translated by Alireza Farazi, Qom: Imam Sadegh (AS) Institute of Islamic Sciences. (in Persian).
- Kamali, Hamid Reza (2012). *Middle East (9); Special on domestic issues in Saudi Arabia*, Tehran: Abrar International Institute for Contemporary Studies and Research. (in Persian).
- Karami, Kamran (2021). Interview with him on the subject of identity policies in Saudi Arabia. (in Persian).
- Kazemi, Ehsan; Rezadoust, Karim (2019). *Identity Policy Theories*, Tehran: Red Wisdom Publications. (in Persian).
- Lacroix, Stephane (2005). "Islam Liberal Politics in Saudi Arabia," In Paul Arts & Gred Nonneman (eds), *Saudi Arabia in the Balance: Political Economy, Society, Foreign Affairs*, London: C. Hurst & Co. Ltd, pp.35-56.
- Lacroix, Stephen (2020). *Saudi Islamism; Dynamics of Politics and Religion in Contemporary Saudi Arabia*, translated by Mahmoud Moqaddas and Hamdollah Ekvani, Tehran: Sabzan Publications.
- Malekian, Mustafa (2002). *Road to Liberation*, Tehran: Contemporary View Publishing. (in Persian).
- Maliki, Hassan Ibn Farhan (2007). *The Preacher of the Nine Prophets*, translated by Seyyed Yousef Mortazavi, Qom: Publishing Religions. (in Persian).

- Rafi'ian, Sajjad (2021). Interview with him on identity politics in Saudi Arabia.
- Ragkhan, Safa Fouad (2014), Women in Saudi Arabia Status, Rights, and Limitations, Woshington: University of Woshington bothell. (in Persian).
- Salman Al-Awda's Twitter account (Support for Palestine) was viewed by the author on 5/5/1400: https://twitter.com/salman_alodah/status/88834864205415628
- Sharabi, Hisham (1990). Roshnefkaran Arab and West, Salhai Takween 1875-1914, translated by Abd al-Rahman al-Alam, Tehran: Political and inter-Millet study notebook. (in Persian).
- Taheri, Seyed Mehdi; Ahmadvand, brave. (2015). Wahhabism and the Continuation of Al-Saud Sovereignty, Quarterly Journal of Political Research in the Islamic World, Winter, No. 17. (in Persian).
- Tajik, Mohammad Reza (2004). Globalization and identity; National Identity and Globalization, Tehran: Institute for Research and Development of Humanities, University of Tehran. (in Persian).
- Tajik, Mohammad Reza (2005). Narrative of zeal and identity among Iranians, Tehran: Farhang Gofman Publications(in Persian).